

رفع چالش های آموزش و پرورش، توانمندسازی و ارتقا بهره وری معلمان (مطالعه موردی: مدارس ابتدایی شهرستان زاهدان)

فاطمه پاکدل^۱، حسن شهرکی پور^۲، محمد فرزنانجو^۳

^۱ کارشناس ارشد مدیریت آموزشی- دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

^۲ دانشیار گروه مدیریت آموزشی- دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

^۳ استادیار گروه مدیریت آموزشی- دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

چکیده

در دنیای امروز، برخورداری همه انسانها از آموزش با تاکید بر نقش اساسی معلمان در ارتقای کیفی آموزش بسیار مورد توجه است. در عصر پیشرفت و فناوری که سیمای مدارس در حال تغییرات است برخورداری معلمان از دانش، اطلاعات، فنون و راهبردهای آموزشی به تنهایی کافی نیست، بلکه سازماندهی، به کارگیری و استفاده به هنگام و به جا از اطلاعات و محیط های آموزشی ضروری می باشد. در مقاله حاضر به بررسی رابطه میان رفع چالش های آموزش و پرورش، توانمندسازی و بهره وری معلمان پرداخته شد. جمع آوری داده ها از طریق مصاحبه، پرسشنامه و مطالعات میدانی بوده و سپس فرضیات پژوهش تعیین گردید. جهت تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی و آزمون های ضریب همبستگی استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۳۰۰ نفر از معلمان ابتدایی ناحیه یک شهرستان زاهدان است که نمونه آماری ۲۹۷ نفر به صورت نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ارتباط مثبت و معناداری میان این مولفه ها وجود دارد. در واقع با رفع چالش های آموزش و پرورش، بهره وری و توانمندی معلمان ارتقا یافته و از سوی دیگر با توانمندسازی معلمان نیز بهره وری آنها افزایش می یابد.

واژه های کلیدی: چالش های آموزش و پرورش، توانمندسازی، بهره وری

امروزه افزایش حجم دانش و اطلاعات، کهنه شدن سریع مطالب درسی، تغییرات سریع جوامع و غیرقابل پیش بینی بودن آینده، لزوم آموزش و یادگیری مداوم را به جای آموزش مقطعی ایجاب می کند. از سوی دیگر آموزش مداوم شیوه ی یادگیری جدیدی را می طلبد، شیوه ای که به وسیله ی آن فرد بتواند به طور خودگردان و مستقل و برای همه ی عمر به مطالعه ی دانش و استفاده از آن بپردازد. از این رو اهمیت و ضرورت کنار گذاشتن شیوه ها و راهبردهای سنتی در آموزش و پرورش و تدریس و توجه به راهبردها و شیوه های جدید آموزشی آشکار می گردد. یادگیری الکترونیکی و شبکه ای، فضای محصور آموزشی سنتی را در معرض چالش قرار داده است. در فضای مجازی فراگیران صرفاً معانی را شرح نمی دهند؛ بلکه فعالانه در خلق معانی مشارکت می جویند و به جای دانش رسمی، بر کسب مهارت های اساسی تاکید می کنند. در فضای مجازی، نقش جدید معلم، کمک به فراگیران برای دسترسی به اطلاعات و کاربرد آن است (رضائیان، ۱۳۹۲).

در تحقیق فوق، هدف آشنایی با چالش های آموزش و پرورش و رابطه آن با توانمندسازی و بهره وری معلمان می باشد. فرضیه اصلی این پژوهش آن است که بین رفع چالش های آموزش و پرورش و توانمندسازی معلمان و ارتقا سطح بهره وری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

سوالات اصلی این پژوهش عبارت است از:

آیا بین توانمندسازی و ارتقا بهره وری در مدارس ناحیه یک شهرستان زاهدان رابطه وجود دارد؟

آیا بین رفع چالش های آموزش و پرورش و توانمندسازی معلمان در مدارس ناحیه یک شهرستان زاهدان رابطه وجود دارد؟

آیا بین رفع چالش های موجود در آموزش و پرورش ناحیه یک شهرستان زاهدان رابطه وجود دارد؟

۲- پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه آموزش و تکنولوژی های جدید در کشورهای توسعه یافته از مدت ها قبل آغاز شده و در حال جایگزینی با آموزش سنتی می باشد؛ لازم است که با تحقیقات و مطالعات نسبتاً جامعی که در این زمینه پیرامون توسعه سازمان ها صورت گرفته، بالأخص سازمان آموزش و پرورش که رکن اصلی آن مدارس می باشد و عناصر اصلی مدارس را معلمان تشکیل می دهند آشنا شد (خوش نظر، ۱۳۹۱). آموزش و پرورش کشورهای مختلف در زمینه نیروی انسانی با چالش های متفاوتی مواجه هستند. بر اساس پژوهش عبدالهی (۱۳۹۲) در کشورهای فقیر و پیرامونی، به دلیل کمبود اعتبارات آموزش و پرورش، معلم به اندازه کافی جذب نمی شود و آن تعداد از معلمانی که در مدارس به کار گرفته می شوند، دوره های تخصصی لازم را نگذرانده اند. در اغلب کشورهای توسعه یافته، حقوق معلمان کم و انگیزه و تعهد شغلی و بهره وری آنها پایین است. موضوع مهم دیگر توان پاسخگویی معلمان به چالش های قرن بیست و یکمی است.

در پژوهش تیموری (۱۳۹۲) آموزش و پرورش نیز به عنوان جزئی از یک کل، مصون از تأثیر جهانی شدن نبوده است. این مکتب برای پیشرفت و ترقی جامعه ی مدنی جهانی و یا جامعه شبکه ای، بهترین الگو را در مدرسه محوری، مشارکت از پایین، احترام به ذهنیت افراد و خلاقیت آنان می داند که مطمئناً تحت تأثیر اراده ی خصوصی سازی آموزشی، کم شدن مدارس دولتی، ورود امکانات و تجهیزات پیشرفته به مدارس تداعی کننده جهانی شدن اقتصاد و اقتصاد سرمایه داری است. به طور کلی ساختار آموزش و پرورش در زمینه هایی همچون تمرکز زدایی، فناوری سطح بالا و مشارکت کارکنان تحت تأثیر جهانی شدن واقع شده است.

پژوهشی توسط هوبالسوکا و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد معلمان هنگام کار با فناوری اطلاعات و ارتباطات دچار مشکل هستند. آنها از مشاوره گرفتن و درخواست کمک از همکاران خود می ترسند و استفاده از مرورگرها برای دستیابی به اطلاعات جدید برای آنها غیر ضروری به نظر می رسد. بزرگترین نگرانی آنها شکست در استفاده از فناوری جدید برای انتقال مفاهیم آموزشی است و از طرفی تصور می کنند استفاده از تکنولوژی های جدید باعث کمبود وقت در اجرای اهداف آموزشی خواهد شد.

در تحقیقی که توسط محمدی و همکاران (۱۳۹۳) مهمترین چالش های موجود در راه استقرار آموزش های الکترونیکی شامل کمبود تجهیزات، فقدان سرمایه گذاری قابل توجه برای تجهیز مدارس، استقرار شبکه ها و طراحی و تولید محتوای الکترونیکی

برنامه های درسی، عدم امکان دسترسی همه خانواده ها به تسهیلات لازم برای بهره بردن از آموزش های الکترونیکی در خانه، تربیت نامناسب نیروی فنی برای اجرای برنامه های الکترونیکی. با ایجاد انگیزه در معلمان در جهت اجرای آموزش های الکترونیکی، حمایت از بخش خصوصی برای ایجاد بازار رقابتی تولید نرم افزار های آموزشی مناسب و توسعه زیر ساخت های لازم در آموزش و پرورش، تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص در طراحی، تولید و اجرای آموزش های الکترونیکی می توان این چالش ها را پوشش داده و زمینه های ارتقا بهره وری و توانمندسازی معلمان را فراهم آورد.

بر اساس پژوهش ارکوتلو (۲۰۱۵) به منظور ایجاد محیط کار توانمند، نقش مدیریت در مدارس باید از چارچوب ذهنی فرماندهی و کنترل به محیط حمایتی و مبتنی بر حس مسئولیت تبدیل شود تا در آن کلیه معلمان فرصت داشته باشند به نحو احسن همکاری کنند. بوجاری و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی اهمیت پیشرفت منابع انسانی و تاثیر آن بر افزایش بهره وری شیوه های برخورد با مفاهیم «بهره وری» و «عملکرد» در ادبیات را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفت که توانمند سازی افراد باعث افزایش بهره وری و اثربخشی در سازمان شده و عملکرد سازمان بهبود می بخشد. برخی از مطالعات نشان داده است که همبستگی مثبت بسیار قوی بین آموزش و بهره وری وجود دارد. حتی مطالعات تطبیقی پیشرفت اقتصادی بین کشورهای مختلف نشان دهنده این امر بوده که هر کشوری که دارای نیروی انسانی آموزش دیده بوده است از بهره وری و رشد اقتصادی بالاتری برخوردار بوده است (عبدالهی، ۱۳۹۲).

۳- روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر کمی و در زمره تحقیقات کاربردی از نوع میدانی می باشد. این تحقیق با توجه به موضوع و اهداف توصیفی پیمایشی می باشد. تحقیق میدانی می تواند به عنوان یک رهیافت کلی و وسیع تحقیق توصیفی یا روشی برای جمع آوری داده های توصیفی در نظر گرفته شود (خاکی، ۱۳۹۴). جامعه آماری این پژوهش ۱۳۰۰ نفر از معلمان مقطع ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه یک شهرستان زاهدان بوده و به منظور نمونه برداری از روش نمونه گیری طبقه ای چند مرحله ای استفاده شده است. با توجه به حجم جامعه آماری و روش نمونه گیری، بر اساس جدول دموگران، حجم نمونه برابر ۲۹۷ نفر تعیین گردید. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه می باشد. با توجه به آنکه تا کنون پرسشنامه استاندارد برای تعیین چالش های اساسی آموزش و پرورش وجود نداشت، نویسندگان اقدام به ساخت پرسشنامه ای در این حوزه نمودند. بدین منظور نخست مصاحبه هایی با صاحب نظران حوزه آموزش و معلمان انجام گردید. بعد از رسیدن به پاسخ های تکراری، شاخص های اولیه هر یک از پرسشنامه تعیین شد. جهت تعیین روایی ۱ ابزار پژوهش در وهله نخست سعی شده که سؤال های پرسشنامه بر گرفته از متون علمی بوده و سؤال ها واضح، روان، ساده و منطبق با شاخص های تعیین شده باشد و در پایان روایی محتوایی آن به تأیید متخصصان و اساتید صاحب نظر در حوزه آموزش رسید. در گام بعدی پیش آزمون اولیه ای از هر پنج پرسشنامه میان ۳۰ نفر از جامعه آماری که به تصادف انتخاب شده بود، اجرا گردید و پاسخگویی به سوالات آن بر اساس طیف ۵ سطحی لیکرت بود. بعد از جمع آوری داده های اولیه، جهت تعیین پایایی ۲ پرسشنامه ها از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. در جدول ۱ خلاصه ای از اطلاعات مربوط به هر پرسشنامه ارائه گردیده است.

جدول ۱. اطلاعات پرسشنامه های پژوهش

پرسشنامه	سال	پایایی
----------	-----	--------

¹. Validity

² Reliability

توانمندسازی	۲۰۰۸	۰/۸۶۱
بهره وری	۲۰۱۲	۰/۸۷۶
	۱۳۸۸	۰/۷۷
چالش های آموزش و پرورش	۱۳۹۵	۰/۷۶۷

۴- یافته های پژوهش

به منظور تحلیل نتایج متغیرهای جمعیت‌شناختی و سؤالات هر پرسشنامه از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در این تحقیق از نرم‌افزار SPSS برای ورود داده‌های پژوهش و تحلیل‌های آماری سؤالات استفاده گردید.

۴-۱ آزمون فرضیات پژوهش

نخست لازم است وضعیت نرمال بودن داده‌ها مورد بررسی قرار گیرد، بدین منظور از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده می‌شود؛ بدان معنا که اگر داده‌ها دارای توزیع نرمال باشند امکان استفاده از آزمون پارامتریک وجود دارد و در غیر این صورت باید از آزمون ناپارامتریک استفاده شود. در تمامی پرسشنامه‌ها با توجه به آنکه سطح معناداری در تمام ابعاد بزرگتر از ۵ درصد است توزیع داده‌ها نرمال بوده و لازم است از آزمون پارامتریک استفاده شود. جهت نشان دادن میزان رابطه عوامل مورد بررسی لازم است از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شود. علت استفاده از این آزمون آن است که داده‌های مسئله به صورت فاصله‌ای و نسبی می‌باشند نتایج به دست آمده مربوط به هر فرضیه به قرار زیر است:

فرضیه اول: بین توانمندسازی و بهره‌وری معلمان در مدارس ناحیه یک شهرستان زاهدان رابطه معناداری وجود دارد. در این مطالعه بهره‌وری به دو شاخص اثر بخشی و کارایی تفکیک گردید. ابتدا نتایج حاصل از هر شاخص بیان شده و در مرحله بعد نتایج مجموع دو شاخص ارائه می‌شود.

جدول ۲. تعیین رابطه بین توانمندسازی و بهره‌وری معلمان

رابطه	Sig	ضریب همبستگی	توانمندسازی	
			تعداد	متغیر وابسته متغیر مستقل
مثبت	۰/۰۰	۰/۷۶۵	۲۹۷	اثر بخشی
مثبت	۰/۰۰۵	۰/۶۸۰	۲۹۷	کارایی
مثبت	۰/۰۰	۰/۷۴۸	۲۹۷	بهره وری

نتیجه آزمون نشان می‌دهد که با توجه به اینکه سطح معنی‌داری محاسبه شده کمتر از پنج درصد است ($Sig \leq 0/05$) لذا بین توانمندسازی و افزایش بهره‌وری معلمان آموزش و پرورش ناحیه یک شهرستان زاهدان رابطه وجود دارد. بر اساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام شده تعیین گردید که بین توانمندسازی و بهره‌وری معلمان در مدارس رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که ضریب همبستگی مرتبط نشان از ارتباط قابل قبول میان این متغیر هاست.

فرضیه دوم: بین رفع چالش‌های آموزش و پرورش و توانمندسازی معلمان در مدارس ناحیه یک شهرستان زاهدان رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه آزمون نشان می‌دهد که با توجه به اینکه سطح معنی‌داری محاسبه شده کمتر از پنج درصد است ($Sig \leq 0/05$) لذا بین رفع چالش‌های آموزش و پرورش و توانمندسازی آنان در مدارس ناحیه یک شهرستان زاهدان رابطه وجود دارد.

جدول ۳. تعیین رابطه بین رفع چالش‌های آموزش و پرورش و توانمندسازی معلمان

رفع چالش های آموزش و پرورش				متغیر وابسته
رابطه	Sig	ضریب همبستگی	تعداد	متغیر مستقل
مثبت	۰/۰۲	۰/۷۶۵	۲۹۷	توانمندسازی

بر اساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام شده تعیین گردید که بین رفع چالش های آموزش و پرورش و توانمندسازی معلمان در مدارس رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. ضریب همبستگی نشان از ارتباط قابل قبول میان این متغیر هاست. فرضیه سوم: بین رفع چالش های موجود در آموزش و پرورش و افزایش بهره وری معلمان در مدارس ناحیه یک شهرستان زاهدان رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه آزمون نشان می دهد که با توجه به اینکه سطح معنی داری محاسبه شده کمتر از پنج درصد است ($Sig \leq 0/05$) لذا بین رفع چالش های موجود در مدارس و بهره وری معلمان ناحیه یک شهرستان زاهدان رابطه وجود دارد

جدول ۴. تعیین رابطه بین رفع چالش های موجود مدارس و بهره وری معلمان

رفع چالش های موجود مدارس				متغیر وابسته
رابطه	Sig	ضریب همبستگی	تعداد	متغیر مستقل
مثبت	۰/۰۱	۰/۶۸۲	۲۹۷	اثربخشی
مثبت	۰/۰۰	۰/۶۹۹	۲۹۷	کارایی
مثبت	۰/۰۰	۰/۷۲۱	۲۹۷	بهره وری

بر اساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام شده تعیین گردید که بین رفع چالش های موجود در مدارس و توانمندسازی معلمان در مدارس رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. ضریب همبستگی نشان از ارتباط قابل قبول میان این متغیر هاست.

۵- نتیجه گیری و بحث

بهره وری تلاشی برای زندگی بهتر افراد جامعه و فلسفه و دیدگاهی مبتنی بر استراتژی بهبود است که مهمترین هدف سازمان را تشکیل می دهد. فلسفه بهبود بهره وری در سازمانها موجب می شود نیروی انسانی بهتر فکر کند، بیاندیشد، بیافریند، نوآوری کند و نگرش سیستمی پیدا نماید. تغییرات محیطی و افزایش رقابت جهانی، موضوع توانمندسازی و اینکه توانمندسازی تا چه حدی بر عملکرد کارکنان تاثیر می گذارد را کانون توجه مدیران قرار داده است. توانمند سازی یک برنامه اجتناب ناپذیر برای کار بیشتر با صرف هزینه کمتر بوده و اصولاً یکی از راه های منطقی، صحیح و اثر بخش برای بالا بردن عملکرد کارکنان در سازمان است. معلمان توانمند دارای احساس شایستگی، احساس داشتن حق انتخاب، احساس موثر بودن و احساس اعتماد هستند و همین امر باعث می شود که تمایل بیشتری برای ماندن در سازمان، افزایش رضایت شغلی و کارایی و اثربخشی بالاتری داشته باشند. نتایج حاصل از پژوهش نیز موید رابطه مثبت میان توانمندسازی و افزایش بهره وری معلمان است. نتایج حاصل با نتایج پژوهش ارکوتلو و چافرا (۲۰۱۵) و مظاهری راد (۱۳۹۰) هم سو می باشد.

ارتقای بهره وری در آموزش و پرورش نه تنها به توسعه اقتصادی اجتماعی کمک می کند، بلکه از طریق تربیت نیروی انسانی کارآمد و خلاق می تواند موجب اعتلای کشور گردد. از آنجایی که امروزه دانش آموزان علاوه بر مهارتهای پایه نیازمند مهارتهای پیچیده تری هستند و منابعی که در اختیار آموزش و پرورش قرار می گیرد، محدود است در نتیجه ارتقای بهره وری در آموزش و پرورش بایستی از طریق ارتقای بهره وری در مدارس صورت گیرد. اگر آموزش و پرورش، تغییرات کیفی در فرهنگ حاکم بر جامعه بوجود آورد، بدون شک می تواند از طریق تحول در رفتار مردم و شکل نهادهای اجتماعی، پیشرفت های قابل ملاحظه ای در نرخ

رشد بهره وری بوجود آورد. افزون بر این، افرادی که دانش و مهارت مفیدی به دست می‌آورند، می‌توانند فرد مفیدی در جامعه به شمار آیند.

چالش‌های آموزش و پرورش سبک مدیریت دستورمداری، عدم پذیرش به علت نوآوری، دانش کهنه معلمان، نداشتن انگیزه و تعهد شغلی در نظر گرفته شده که با بالا رفتن بهره وری از طریق افزایش رضایت و عملکرد شغلی، همسویی با تغییرات روز، استفاده بهتر از امکانات و تجهیزات و کاهش استرس شغلی و افزایش کارایی و اثر بخشی قابل رفع شدن است. نتایج حاصل از پژوهش نیز موید رابطه مثبت میان رفع چالش‌های موجود در مدارس و افزایش بهره وری معلمان است. نتایج حاصل از نتایج پژوهش زاهدی (۱۳۹۳) و خوش نظر (۱۳۹۱) هم سو می باشد.

تحقیق در مورد توانمندسازی و موضوعات وابسته به آن نشان داده است محیط‌هایی که در آن‌ها، هماهنگی بین معلمان و مدیران صورت می‌گیرد، معلمان در تصمیم‌گیری‌ها شرکت داده شده، به آنان احترام گذاشته می‌شود، مهارت حرفه‌ای آنان افزایش می‌یابد و یادگیری دانش‌آموزان نیز بیش‌تر می‌شود. توانمندسازی یک رویکرد مدیریتی است که در آن، به کارکنان اختیار اساسی داده می‌شود تا خود تصمیم‌گیری کنند. مدیران آگاه و هم‌گام با زمان، می‌دانند که لازمه سودمندی تصمیم‌های پیچیده، مشارکت دادن کارکنان است و اگر قرار باشد این تصمیم‌ها به نتایج مورد انتظار بینجامد، باید حاصل تلاش گروهی همه افراد ذی‌نفع باشد. معلمان توانمند با ایجاد حس شایستگی و موثر بودن در سازمان و افزایش قابلیت‌ها و خلاقیت باعث غلبه بر چالش‌های موجود در آموزش و پرورش می‌شوند. نتایج حاصل از پژوهش نیز موید رابطه مثبت میان معلمان دانش‌محور و افزایش توانمندسازی معلمان است. نتایج حاصل از نتایج پژوهش تیموری (۱۳۹۲) و عبدالهی (۱۳۹۲) هم سو می باشد.

مراجع

۱. تیموری سعید، ۱۳۹۲، "ارزیابی دیدگاه مدیران و کارشناسان مرکز ملی جهانی شدن پیرامون چالش‌های آموزشی فرهنگی فراروی آموزش و پرورش در عرصه جهانی"، مطالعات راهبردی جهانی شدن، دوره ۴، شماره ۱۱.
۲. خاکی، غلامرضا، ۱۳۹۴، روش تحقیق با رویکرد پایان‌نامه نویسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات درایت.
۳. خوش نظر صوفیانی فریده، خدیوی اسدالله، ۱۳۹۱، رابطه مهارت‌های سه گانه مدیران با میزان بهره‌وری آنان از دیدگاه معلمان مقطع ابتدایی مناطق صوفیان و شبستر، اولین همایش ملی بهره‌وری منابع انسانی در آموزش و پرورش.
۴. رضائیان، علی، ۱۳۹۲، "اصول مدیریت"، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
۵. زاهدی شمس السادات، نجاری رضا، ۱۳۹۳، بهره وری منابع انسانی و مدیریت دانش، پیک نور، سال ششم، شماره اول.
۶. عبدالهی، شیرزاد، ۱۳۹۲، چالش‌های آموزش و پرورش ایران، سایت خبر آنلاین.
۷. محمدی شاهرخ، عصاره علیرضا، عطاران محمد، ۱۳۹۳، "بررسی چالش‌های طراحی، تولید و اجرای آموزش‌های الکترونیکی در دوره آموزش عمومی از منظر معلمان و کارشناسان"، سومین همایش کشوری کاربرد یادگیری الکترونیکی در علوم پزشکی.
۸. مظاهری راد حمید، ۱۳۹۰، رابطه آموزش و بهره وری نیروی انسانی، مقالات علمی مدیریت.
9. Buchari., and Basri H., "The importance of human resources development and its impact in increasing of national port productivity", Procedia Engineering 2015, 519-525.

10. Erkutlu H., Chafra J., 2015, “Empowering Leadership and Organizational Job Embeddedness: The Moderating Roles of Task Interdependence and Organizational Politics”, *Social and Behavioral Sciences*, V.21, PP 3-10.
11. Hubalovska M., Manenova M., Burgerova J., 2015, “Selected Problems of Relation of the Teachers to Modern Technology at the Primary Education”, *Social and Behavioral Sciences* 191, PP. 2062 – 2067.

Solving the challenges of education, empowerment and improving the efficiency of teachers (Case Study: Primary Schools in Zahedan City)

Fateme Pakdel ^a, Hassan Shahrakipour ^b, Mohammad Farzanjoo ^c

^A Graduate School of Educational Management, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Zahedan

^B Associate Professor, Department of Educational Management, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Zahedan

^C Assistant Professor, Department of Educational Management, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Zahedan

Abstract

In today world, the enjoyment of all human beings by education, with an emphasis on the crucial role of teachers in improving the quality of education, is more important. In the age of advancement and technology in which schools are changing, the enjoyment of teachers by knowledge, information, techniques, and training strategies alone is not enough, but it is essential to organize, deploy and on time usage of information and educational environments. In this paper, the relationship between the meet the challenges of education, empowerment and teachers' productivity has been investigated. Data were collected through interviews, questionnaires and field studies and then the research hypotheses were determined. Data were analyzed using descriptive statistics and correlation coefficient tests. The statistical population of the study consists of 1300 primary elementary teachers in a district 1 of Zahedan city that statistical sample of 297 individuals was selected through multistage random sampling. The results of this research indicate that there is a positive and significant relationship between these components. In fact, the productivity and empowerment of the teachers have enhanced with the meet the challenges of education, and on the other hand, productivity of teachers increases with their empowerment.

Keywords: Education Challenges, Empowerment, Productivity
